

و ارف

در خشک ننگ ل بر پس که شش بر آنکرم ز شش های معلوم شش
 حی که بینی و بارش کل در افتاده
 بدل بر وقت بزونی و رو بر شش
 کون که رفتی پیر سیدش کچون افتاد میان بنید و جوم دان یک در شش
 دو پسر حال عقل است خوردن شش از رزق معلوم
 و مردن پیش از وقت معلوم
 قضا که نشود که هزار ماده بگو یا شکایت بر آید از دمی
 زشته که و یکست بر قولین بگو غم خورد که نمیرد و آن پیر زنی
 ای طایب و زنی ششین که خوری وای معلوم باطل مرد که
 جان بزی
 بهر ساند خدای عزوجل در روی درد پان اصله و بیلنگ
 خورندت برودن زرد ز ابل بگفت با نهاده دست ترسد
 و نهاده هر یکی که باشت برسد

است جان در عایت یک مست و دنیا میان و بود معلوم
 دین بدینا و شش و اندی بوسی فرو شدند تا چه فرید الم
 احمد الیکم یا نبی دم ان لا تعبد الا الشيطان
 بتول دشمن میان و شش گستی برین که از که بریدی با که پوستی
 شيطان با مخلصان بر غی اید و سلطان با مفسدان
 بر پیش مده آنک فی نمازت که پیش زنی قد باز است
 کوفتی هذای که آرد از ترن تو نیز غم نداد
 هر که در زنده کنی ناشن خورند چون پیرد تا شش بر د لطف
 بر سنی صدق علیه السلام در خشک سال همه پیر خوردی تا که سنگا ترا
 زاموش بکنی آنک در راحت و شغرت
 او ده دانه که حال که نیست حال هر مانده کانا کسی داند
 که باحوال تو پیش از مانده انی که زنده سولاری موشن ار
 که هر کارش کین در ارت استن از خانه همسایه در ویش خواه
 کای بر روزن او میگردد در دست نصی در ویش ضعیف حال
 باد

در خشک ننگ ل

Copyright © King Saud University